

از مشهد الرضا تا حرمین شریفین

معرفی دو کتاب خطی از دوره صفوی و قاجار در باره زندگی نامه کوتاه حضرت رضا علیه السلام و آداب زیارت ایشان است. در اینجا صرفاً مقدمه آنها که حاوی چند نکته تاریخی است معرفی شده است.



وبلاگ < جعفریان، رسول - معرفی دو کتاب خطی از دوره صفوی و قاجار در باره زندگی نامه کوتاه حضرت رضا علیه السلام و آداب زیارت ایشان است. در اینجا صرفاً مقدمه آنها که حاوی چند نکته تاریخی است معرفی شده است. گاهی که فرصتی بدست می آید، گشتی در فایل های دیجیتالی نامنظمی می زنم که در طول سالیان فراهم آمده است. از قریب ده سال قبل که کتابخانه شخصی را کنار گذاشتم و خانه بدون کتاب را انتخاب کردم، و البته در کنار کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، تکیه ام به همین فایل هاست که از هر کجا که ممکن باشد فراهم می آورم. امشب دو کتاب در باره امام رضا (ع) و چگونگی زیارت آن حضرت بدست از لابلاي این فایل ها آمد. یکی از اواخر دوره صفوی از روزگار شاه سلطان حسین مرحوم، و دیگری از روزگار محمد شاه قاجار. در حال حاضر نمی خواهم در باره ابواب داخلی این کتابها و چگونگی نگارش آنها و منابعشان یاد کنم، بلکه توجهم به دو مقدمه اینهاست که حاوی نکات جالب تاریخی است. گشت مختصری زدم و از برخی از موارد و منابعی که فکر می کردم، جستجویی نمودم بینم اینها چاپ شده است یا خیر. به نظر آمد که چاپ نشده است. اما حتی اگر شده باشد، به حال بنده که قصد دارم مقدمه آنها را مرور کنم، فرقی ندارد. در اینجا جز این که این دو کتاب را که با توجه به تتبع مختصر بنده، حس کردم کمتر به آن توجه شده معرفی می کنم، هر کدام از آنها، حاوی مقدمه ای هستند که برخی از نکات تاریخی و شرح حالی را در اختیار ما می گذارند.

1.

نخست رساله تحفه الرضا (ع) اثر محمد حسین بن مرتضی قلی پیشنماز است که در سفری که همراه شاه سلطان حسین به مشهد بوده تألیف کرده است، سفری که به گفته وی، شمار زیادی از خوانین و علما و سپاهیان همراه بوده اند. گفتنی است که چندین کتاب با این نام در فهرست ها هست که آنچه ما معرفی می کنیم جز آنهاست. شماری از آنها در فهرست دنا (مجلد دوم) ذیل مدخل تحفه الرضا آمده است.

نویسنده در مقدمه کتاب می گوید که در مشهد، علوم دینی را تحصیل کرده و از جمله شاگردی شیخ حر عاملی را کرده است. سپس برای بیست سال در حرمین شریفین مجاور بوده، و بارها در این مدت به زیارت عتبات رفته است. نویسنده که آروزی زیارت مجدد مشهد را داشته، به ایران بازگشته و همراه شاه به زیارت رفته است. ظاهراً این سفر در سال 1119 بوده است.

در این سفر بوده که به فکر افتاده پس از تألیف کتاب هدایت السالکین که در مناسک حج و آداب زیارت رسول و فاطمه و ائمه بقى عليهم السلام نوشته، این بار کتابی در باره زندگی و آداب زیارت حضرت رضا علیه السلام بنگارد. نسخه مورد استفاده ما در کتابخانه مرکزی دانشگاه به شماره 5003 ثبت شده است. همین نسخه است که بر اساس آن فهرست استوری (2/ 1022) گزارشی از این کتاب بدست داده شده است. منزوی هم بر همین اساس توضیحی در فهرست کتابهای فارسی نوشته است: «محمد حسین پیشنماز فرزند مرتضی قلی. در دیباچه می گوید: چون پیش از این کتابی مفصل به فارسی در مسائل حج و آداب زیارت به نام «هدایة الساکین» نگاشته و به نظر سلطان روزگار رسانده، مقتضی دیده که دیگر باره رساله ای کوتاه بنگارد، و این را در مشهد رضا در 1 «مقدمه» و 8 «باب» و «خاتمه» در حسب و نسب و سرگذشت و مناقب امام رضا و آداب دعا نگاشته است. آغاز: حمد و ثنای از حد فزون و ستایش از عدد افزون». آقای اشکوری هم با اشاره به شرح حال وی در الکواکب المنتثرة ص 189 اشارتی به این کتاب دارد اما گویا نسخه ای دیگر. توضیح ایشان اشاره به برخی از نکاتی است که مولف در مقدمه آورده است. (تراجم الرجال، ج 3، ص: 218). آنجا نوشته است که کتاب در سال 1119 نوشته شده که باید از همین مقدمه باشد. گرچه در متن ما این تاریخ، قدری ناخوانا آمده است. کتاب دیگر مؤلف هدایه السالکین است که وی در مقدمه به آن اشاره کرده است. از این کتاب او نسخه ای در ذریعه (25/ 176) یا دنا معرفی نشده و معلوم می شود که تاکنون نسخه ای از آن شناخته نشده است. ای کاش بدست می آمد. گفتنی است که در دنا (2/ 943) ذیل «تحفه الرضا» یک نسخه در آداب زیارت از کتابخانه رضوی معرفی شده که مولف هم ندارد و مربوط به اوائل قرن یازدهم است. (مشهد - رضوی ش: 1181). باید مراجعه و مقایسه کرد.

همان طور که عرض کردم، هدف بنده فقط ارائه مقدمه کتاب است که اشارتی به شرح حال مؤلف، برخی از دیدگاه ها، گزارش اجمالی از سفر شاه سلطان حسین به مشهد، مجاورت بیست ساله خود در حرمین شریفین و رفت و آمدهای مکررش به عتبات از همانجا، و نگارش یک کتاب در باره مناسک حج و آداب زیارت حضرت رسول، فاطمه زهرا، و ائمه بقیع است که متأسفانه به دست نیامده است. وی می گوید که شاگرد شیخ حر عاملی در مشهد بوده است.

در این مقدمه، ستایش فراوانی از شاه سلطان حسین کرده که این رسم عادی در میان علمای آن روزگار بوده و معمولاً به این مطالب اعتقاد هم داشته اند. مخصوصاً این مؤلف که عبارات بدیعی در این باره دارد و ما بخشی را حذف کردیم. اما بعد:

به عرض می رساند که کمترین داعیان و غلامان اخلاص توامان، ابن حاجی مرتضی قلی پیش نماز، حاجی محمد حسین - غفر الله ذنوبهما و ستر عیوبهما بحق محمد و آله الاطهار الابرار - که این داعی در ابتدای سن جوانی به توفیق الهی، به شرف عتبه بوسی امام عادل، ممیز حق و باطل، آب روی گوهر مروت، آزاده سروگلشن فتوت، خازن گنجینه اسرار، پسندیده حضرت پروردگار، کوکب دری فلک امامت، حاجی روز قیامت، مالک گنج عرفان پادشاه قلعه ایمان، امیدگاه شیعیان، پشت و پناه عاصیان، گره گشای مشکل های درماندگان، صیقل آینه دل های آزرندگان، هادی راه خدا، محرم حرم کبریاء، شافع اهل جرم و خطا، صاحب جود و سخا، نور دیده اهل عالم، شرف سلسله بنی آدم، فرزند خیر البشر، نور چشم امیر المؤمنین حیدر، جگر گوشه زهرای اطهر، یاور روز محشر، ثامن ائمه اثنا عشر، زبده اصفیا، پیشوای اتقیاء، پناه غرب، شهید زهر جفا، عاشر شهداء الامام ابن الامام الهمام، سلطان سریر عز و احتشام، الکریم ابن الکریم، ذی الفضل العمیم، صاحب تسلیم و رضا، حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا - علیه التحية و الثناء - رسیده، و مدتی در خدمت آن حضرت توقف نموده، به تحصیل علوم دینی و کتب معارف یقینی به برکت آن حضرت فایز گشته، مباحثه تفسیر کلام ربانی و مقابله احادیث حضرت رسالت پناهی، در خدمت مشایخ عظام و علمای کرام سکنه این آستان ملایک پاسبان - رحمهم الله - که از جمله ایشان شیخ محمد حر عاملی - اسکنه الله فی الجنان العالی - بود، به عمل آورده، و به سبب اجازات مشایخ عظام و علمای کرام - علیهم رحمة الله الملك العلام، سرافراز گشته، و از قبسات فیض این آستان شمع علم و عرفان، در فانوس جنان افروخته، بعدها قریب بیست سال شد که از خدمت آن حضرت مفارقت نموده، به زیارت بیت الله الحرام مشرف، و سلام آن حضرت را در مدینه طیبه به خدمت جدش حضرت رسول الله و جدتین و والده اش خدیجه کبری و فاطمه بنت اسد و فاطمه زهرا و آبای گرامش ائمه بقیع - علیهم الصلوة و السلام الی یوم الدین - برده، و مدت مدید در حرم خدا و رسول مجاور گشته و بعدها مکرر به شرف عتبه بوسی حضرت امیر المؤمنین و حضرت ابا عبدالله الحسین، و کاظمین و سر من رای مشرف و سرافراز شده. در این مدت، دایماً آرزوی معاودت و شرف زیارت و عتبه بوسی امام ثامن ضامن (ع) در دل، حزن و غمگین بود، و همیشه از درگاه رب العزه ادارک این سعادت عظمی را مجدداً مسألت می نمود تا این که رایات جاه و جلال حضرت ابراهیم و اسماعیل فطنت داود صولت سلیمان حشمت، یوسف شوکت، رافع اولیاء الله و خافض اعداء الله، حافظ بلاد الله، حامی عباد الله، افتخار العترة الطاهرة، و سلاله الباهرة، محیی مراسم ائمه معصومین، ناصب الویه شریعت سید المرسلین، عون الله بین العالمین، قاهر الظالمین و المتמרدين، رافع آثار البدعة جاعل [؟] مبانی ظلم خاویه علی عروشها، المتخلق باخلاق الاحمدية و الحیدرية، المتصف بصفات الحسنية و الحسينية ظل المهیمن که عقل خود به زبان حال بر گوش ساکنان آستان رفیع البنیان آن جناب شب و روز می گوید امیدوار باش که لطفی است بی شمار، بگشا کف سوال که فیضی است بیکران [تا یک صفحه بعد...] فرزند دلبد حضرت سید المرسلین، خلاصه اولاد حضرت امیر المؤمنین، المختص من لدن حکیم علیم، به لطف عمیم و فضل جسیم، اعنی مروج مذهب حق اثنا عشر، فرزند برگزیده خیر البشر، السلطان ابن السلطان و الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر المنصور شاه سلطان حسین الصفوی الحسینی بهادرخان که اسم اشرفش از بینات ظل الله ... ظاهر و هویدا است. [و در ادامه باز ستایش شاه ...] متوجه بلاد خراسان و عازم زیارت آن امام انس بتاریخ ... ندای منادیان ماه با زیارات شاهی قبول الهی شده، جمیع امرای نامدار و خوانین و سلاطین ذوی الاقتدار، و علمای اعلام و فضلالی کرام و داعیان با اخلاص توامان، و سایر سپاه و طوایف انام، فزون از حد و حساب، در رکاب ظفر انتساب بشرف عتبه بوسی آن پیشوای اتقیاء و زبده اصفیاء و پناه غربا، شهید زهر جفا، امام هشتم، قبله هفتم مفتخر، و به این سعادت عظمی و نعمت بی انتها بین سلاطین العرب و العجم و ملوک طوایف الامم ممتاز و سرافراز شدند، این غلام داعی از آرزوی قدیم این سعادت عظیم بی طاقت گشته، با وجود احوال کثیر الاختلال، از شداید نهان و مصایب جهان، سر قدم کرده، افتان و خیزان به توفیق الهی در خدمت شایق [؟] شاهنشاهی، خود را به شرف سراسر سعادت عتبه بوسی آن مولای مؤمنان و پشت و پناه شیعیان و امید گاه متقیان، در شب عید تاسع شهر ربیع الاول و به پابوس نواب کامیاب سپهر رکاب که هزاران جان این غلامان داعی فدای نام مبارکش باد، در روز عید مولود نبوی ص سابع عشر شهر مذکور سنه هزار و نوزده مشرف نموده، بعد از ادراک این سعادتین، به خاطر ناقص رسید که چون این بنده داعی که از جمله غلام زادگان قدیم این دودمان خلافت نشان است، و اجداد فقیر به یمن برکت سلاطین صفویه - انار الله برهانهم - از کفر و ضلالت نجات یافته، به توفیق هدایت سرافراز، و همیشه به نوازشات پادشاهانه و الطاف خسروانه ممتاز بوده اند، قبل از این کتاب شافی به زبان فارسی موسوم به «هدایت السالکین» به نام نام ظل الله فی العالمین در بیان مسائل حج بیت الله الحرام و ادعیه و آداب مشعر و مقام و قواعد زیارت حضرت خیر الانام و فاطمه زهرا علیهما السلام و ائمه اربعه بقیع علیهم التحية و الثناء الی یوم القیام بنهایت اهتمام در جمیع ما یحتاج الیه الانام فی هذا المقام تألیف، و به نظر کیمیا اثر آن مروج حق اثنا عشر رسانیده، به توجهات و نوازشات بلانهایات شاهنشاهی بین الاقران و الامثال مفتخر و سرافراز گشته، در این وقت نیز مختصری تألیف نماید که مشتمل باشد بر حسب و نسب و کیفیت شهادت و فضائل و مناقب و ثواب زیارت و آداب و ادعیه و طریقه زیارت حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا - علیه التحية و الثناء - به نحوی که تا حال

کتاب دوم در باره امام رضا علیه السلام تحفه الرضویه است، البته نه تحفه الرضویه ای که از فاضل بسطامی است که چاپ و شناخته شده است، بلکه اثری دیگر با همین نام و در همین موضوع از شخصی به نام حاجی میرزا حسن عسکری. وی این رساله را در روزگار محمد شاه نوشته است.

در مقدمه این اثر هم جدای از تعارفات کلی و ستایش بی دریغ از محمد شاه قاجار، اشاره به حملات ترکمانان به خراسان دارد که در بسیاری از اوقات زائران را اسیر می کردند. وی می گوید که در روزگار محمد شاه، با تلاش او، این مشکل رفع شده و زائران بدون واهمه از این مسیر به مشهد می روند. نسخه مورد استفاده ما در کتابخانه مجلس به شماره 12390 ثبت شده است. مقدمه وی چنین است:

چون که جمعی از شیعیان خلص ثنا عسری از ولایات بعیده و قریبه از این خادم شریعت مطهر الحسن المدعو بالعسکری ابن هدایت الله ابن محمد مهدی الشهید الحسینی - عطر الله مرقدهما الشریف و مضجعهما المنیف - التماس نمودند که در خصوص فضیلت زیارت امام الانس و الجن علی ابن موسی الرضا - علیه آلاف التحية و الثناء - و آداب شرایط آن و برخی از معجزات آن مقرب درگاه احدیت که در بین آمدن به خراسان به ظهور رسید، و معجزات و وقایعات بعد از وفات آن سرور که در کتب معتبره مسطور است، مختصری نوشته شود، و مکرر بر مکرر استدعای این مطلب را به مراسله جات متعدده نموده بودند، لهذا به جهت اجابت ایشان و تشویق مردم به زیارت آن سرور عالمیان، شروع در این مختصر نمودیم و مسمی نمودیم به تحفه الرضویه. امیدوارم که پسند درگاه خدام آستان عرش نشان ملایک پاسبان روضه رضویه گردد و سرمایه نجات این عاصی تبه روزگار گردد.

و چون شروع در این وجیزه شریف و تالیف این صحیفه منیفه، در زمان دولت ابد مدت شهریار جهاندار و سلطنت شاهنشاه کامکار فریدون فری که فرّ خدای از طلعت همایونش فروزان و سلیمان قدری که آثار ملک آوائی از موکب میمونش عیان اعدل الملوك و السلاطین، غیاث الاسلام و المسلمین.... محمد شاه قاجار - خلد الله ملکه و دولته - میسر شد و به اختتام پیوست، متوقع از برداران ایمانی و اخلاء روحانی چنانم که چون به فیض عتبه بوسی آستان ملایک پاسبان به روضه رضویه مشرف شوند، در تحت قبه متبرکه، مستدعی دوام دولت ابد مدت آن شاهنشاه عالم پناه - خلد الله ملکه - از جانب اقدس احدیث بوده باشد، زیرا که همّت بلند آن شاهنشاه، کاملاً در لیل و نهار، مصروف در ترفیه حال عباد و معموری امصار و بلاد است، خصوص منازل و طرق زائرین ارض فیض قرین - و لله الحمد و المنة - که از ابتدای دولت ابد مدت آن شاهنشاه کامکار تا بحال شنیده نشده است که به صادرین و واردین و زائرین ارض فیض قرین در منازل و طرقی که در ازمنه سابقه فوج اسیر و دستگیر طایفه ترکمانیه می شدند، در این اوان آسیبی به ایشان رسیده باشد، خصوصه دهنه زید رود و بیابان الهاک و دشت عباس آباد، و بعکس ازمنه سابقه از قطره فشانی غمام رحمت آن شاهنشاه با عدل و داد، روز به روز در زیادتی خضارت و نصارتست؛ و در حدیث سیم به معموری آن امکنه اشاره خواهد شد. و بر کافه عباد، خصوص زائرین ارض فیض قرین، دعای آن شاهنشاه - خلد الله ملکه - لازم است.

خدایا تو این شاه درویش دوست

که آسایش خلق در ظل اوست

بسی بر سر خلق پاینده دار

به توفیق طاعت دلش زنده دار.

نیز این خادم شریعت مطهره را در تحت آستان عرش نشان به دعاء و طلب مغفرت یادآوری نمایند...

نکته مهم این مقدمه، اشاره به ناامنی راه خراسان برای زیارت حضرت رضا علیه السلام و ارائه اطلاعاتی در باره تهاجم ترکمانان به زائران است که آنها را به اسارت گرفته در نقاطی چون بخارا می فروختند. در این باره اطلاعات فراوانی در آثار تاریخی آمده اما این اشاره جالب است.